

آیت الله رشاد در جلسه سوم درس خارج فقه مهندسی ژنتیک و جنگ بیولوژیک مطرح کرد:

عرصه‌ها و ابعاد تاثیر زیست فناوری بر معرفت و معیشت بشر معاصر / مهندسی ژنتیک با توحید در خالقیت منافات ندارد .

اشاره:

آنچه پیش روی خوانندگان ارجمند قرار دارد، سلسله مباحثی است برگرفته از دروس خارج فقه آیت الله رشاد که تحت عنوان «فقه مهندسی ژنتیک و جنگ بیولوژیک» (فقه التكنولوجيا الحيوية و الحرب البيولوجية)، هفت صبح روزهای زوج، در مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضای تهران ارائه می‌شود. این دروس بصورت برخط (آنلاین) از طریق شبکه ایشیا (مدرسه فقاہت) قابل دریافت است. (روش اتصال به شبکه در پایگاه رسمی استاد، توضیح داده شده است)

بسم الله الرحمن الرحيم

بایستگی تبیین عرصه‌ها و ابعاد تاثیر زیست فناوری بر معرفت و معیشت بشر معاصر

در جلسه قبل، زیست فناوری را به پنج بخش تقسیم کردیم^۱، آن بخش‌بندی تقسیمی بود که اصحاب دانش مهندسی ژنتیک و براساس «زمینه‌های کاربری زیست فناوری» ارائه می‌کنند، و البته کاملاً منطقی و فنی است؛ اما در آن جلسه وعده کردیم در جلسه بعد ما نیز تقسیمی بر اساس «عرصه‌ها و ابعاد تاثیر زیست فناوری بر معرفت و معیشت بشر معاصر» ارائه کنیم. در این جلسه (امروز) قصد داریم تقسیم پیشنهادی خویش را عرضه کنیم.

از آنجا که این تقسیم علاوه بر جامعیت، از جنبه کاربردی و عینی بیش‌تری برخوردار است، از این رو تناسب بیش‌تری با مباحث فقه زیست‌فناوری دارد. اهمیت و ارزش تقسیم پیشنهادی ما (تقسیم زیست فناوری بر اساس عرصه‌ها و ابعاد تاثیرات بر معرفت و معیشت بشر معاصر) که به جلسه چهارم و شاید جلسه پنجم نیز کشیده شود، از این نکته نهفته است که: چون فقه عهده‌دار بیان احکام این **عرصه هست**، سیر و ساختار این عرصه‌ها می‌تواند چارچوب و الگوی مناسبی برای صورت بندی ابواب فقه زیست‌فناوری انگاشته شود. علاوه بر این که: تبیین این

۱. **الأول:** التكنولوجيا الحيوية الخضراء (Green Biotechnology) و **الثاني:** التكنولوجيا الحيوية الحمراء (Red Biotechnology) و **الثالث:** التكنولوجيا الحيوية الزرقاء (Blue Biotechnology) و **الرابع:** التكنولوجيا الحيوية البيضاء (White Biotechnology) و **الخامس:** التكنولوجيا الحيوية السوداء (black Biotechnology) زیست فناوری به چهار قسم تقسیم می‌شود ولی ما به اقتضای عنوان درس و اهمیت خاص جنگ بیولوژیک، قسم پنجم را افزوده ایم.

عرصه‌ها، از سویی بمثابة تشریح دامنه و ابعاد زیست‌فناوری قلمداد شده، مکمل موضوع‌شناسی فقه زیست‌فناوری بشمار خواهد آمد، از دیگر سو اهمیت زیست‌فناوری و فقه مربوط بدان را هرچه افزون‌تر نشان خواهد داد.

زیست‌فناوری بطرز ژرف و شگرفی، ابعاد گوناگون حیات معرفت و معیشتی بشر معاصر را تحت تاثیر قرار داده، و مسائل و مباحث بسیاری را پیش روی علوم و معارف دینی نهاده است که حسب مورد باید از پایگاه دانش‌های مختلف از جمله فلسفه و کلام، اخلاق و فقه (و بیش از همه فقه) به پاسخ آنها پرداخته شود. در این جلسه سعی می‌کنیم ذیل هر یک از عرصه‌ها و ابعاد، به نمونه‌هایی از این مسائل و مباحث اشاره کنیم.

ابعاد و عرصه‌های وسیع مهندسی ژنتیک

زیست‌فناوری، اکنون حداقل با پانزده عرصه مهم حیات انسان درگیر است و در اکثر این عرصه‌ها تواما منشا ظهور خطرات و مخاطرات و نیز دست‌آوردهای شگرف و شگفتی شده است، اول فهرست این عرصه‌ها را عرض می‌کنیم سپس به توضیح اجمالی هر کدام از آنها می‌پردازیم؛ این عرصه‌ها و ابعاد آن‌سان که در متن نوشته آورده‌ایم عبارتند از: ۱- المجالات العلمیّة (عرصه‌های علم و دانش)، ۲- المجالات المعرفیّة (عرصه‌های معرفتی و شناختی)، ۳- المجالات العقدیّة و الکلامیّة (عرصه‌های عقیدتی و الاهیاتی)، ۴- المجالات الأخلاقیّة (عرصه‌های اخلاق و ارزشهای انسانی)، ۵- المجالات القضائیّة (عرصه‌های دادرسی)، ۶- المجالات الإجتماعیّة (عرصه‌های اجتماعی)، ۷- المجالات الصحیّة/الطبیّة (عرصه‌های بهداشتی و درمانی)، ۸- المجالات الصيدلانیّة (الصيدلة الحيویّة) (داروسازی و تولید مواد بهداشتی و زیبایی)، ۹- المجالات الزراعیّة (عرصه‌های کشاورزی به معنی وسیع آن)، ۱۰- المجالات الغذائیّة (عرصه‌های تولید مواد غذائی و مساله تراریخته‌ها)، ۱۱- المجالات البيئيّة (عرصه‌ی محیط زیست)، ۱۲- المجالات الصناعیّة (عرصه‌های گوناگون صنعت)، ۱۳- المجالات الإقتصاديّة (عرصه‌های گوناگون اقتصاد و تجارت)، ۱۴- المجالات الأمنيّة (عرصه‌های امنیتی)، ۱۵- المجالات العسكريّة (عرصه‌های تولید سلاح و جنگ بیولوژیک)، ۱۶- المجالات الفقهيّة (عرصه‌های گوناگون دانش فقه). چنان که ملاحظه می‌فرمایید: دامنه تاثیر زیست‌فناوری بسیاری از ساحات و سطوح حیات

معرفتی و معیشتی بشر را فرامی گیرد. آیا همین فهرست برای اثبات اهمیت و وسعت، خطورت و ضرورت فقه زیست فناوری بسنده نیست؟
یک) تاثیرات کنونی زیست فناوری بر عرصه علم و دانش:

امروز بیوتکنولوژی و فناوری زیستی در حوزه علم و دانش علی‌الاطلاق، از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار شده است. زیست فناوری وارد عرصه‌ها و ساحات علمی مختلفی شده و داده‌های بیوتک در حال متحول ساختن عرصه‌های گوناگون علمی است، به طریقی که بعضی از فرایندهای زیست فناوری به «انقلاب علمی بیولوژیک» تعبیر می‌کنند. در این بُعد از مسئله که زیست فناوری چه مقدار در توسعه و تعمیق علم بشر و اکتشافات علمی موثر افتد یک امر است و بسیار مساله پر اهمیتی است. و این جهت در احکام این فن و فروع فقهی معطوف به فرآیندهای زیست فناوری می‌تواند بسیار موثر باشد. لهذا باید با لحاظ اهمیت علمی مهندسی ژنتیک و به اعتبار نقش و سهمی که دست‌آوردهای مهم و خطرات احتمالی که این دانش در حیات انسان می‌تواند داشته باشد، نسبت به حکم این رفتار علمی (مهندسی ژنتیک) نظر داد. و احکام تکلیفی و حقوق ناشی از آن و نیز احکام وضعیه‌ای که بر آن مترتب است، فروع مربوط را اجتهاد و بیان کرد.

دوم) زیست فناوری و عرصه معرفت‌شناسی و علوم شناختی:

دومین عرصه‌ای که زیست فناوری می‌تواند (البته حسب ادعا) بر آن تاثیرگذار باشد ساحت معرفت است. گفته شده: زیست فناوری در فرآیند تکون معرفت بشر، دخالت می‌کند. ادعا شده می‌توان با دست‌کاری ژن‌ها و عناصر زیستی، روی عقاید انسان تاثیر گذاشت. البته اکنون در مقام بررسی صحت و سقم این ادعا، و این که در صورت تاگذاری، میزان تاثیر آن چیست نیستیم. این مطلبی علمی است که باید در جای خود مورد بحث و بررسی قرار گیرد. اما ادعا شده می‌توان با دست‌کاری ژن‌ها عقاید افراد را مدیریت کرد. با دست‌کاری عناصر زیستی فردی را مؤمن و دیگری را کافر و ملحد بار آورد. این بدان معناست که از رهگذر مهندسی ژن‌های آدمیان می‌توان افکار و گرایش‌ها و عقائد آنها را نیز مهندسی کرد. در این صورت صحت این ادعا، مهندسی ژنتیک در معرفت‌شناسی و توسعه علوم شناختی هم می‌تواند موثر باشد. حسب ادعا باورها و عقائد اشخاص تابعی از هندسه ژنتیکی آنهاست حوزه علوم شناختی درگیر باشد و می‌توان با مهندسی ژن‌ها روی ذهن و به تبع آن بر روی شناخت انسان تاثیر گذاشت. چنان که ادعا شده می‌توان از رهگذر مهندسی ژنتیک بر اخلاق بشر تاثیر گذاشت این هم عرصه و بعدی دیگر از مهندسی ژنتیک است که باید مورد بررسی قرار گیرد و احکام فقهی آن استخراج و اعلام شود، و در صورت صحت این ادعا این بخش از فقه زیست فناوری بطور مضاعف از ضرورت و اهمیت برخوردار خواهد شد..

سوم) زیست فناوری و عرصه الاهیات:

یکی دیگر از ابعاد بسیار پراهمیت و گسترده‌ای که باید به بحث درباره آن و نیز احکام ناشی از این وجه زیست‌فناوری پرداخت، رابطه زیست‌فناوری با عقائد دینی است؛ مهندسی ژنتیک مانند برخی علوم نوظهور دیگر که در بدو ظهور و براساس تصورات اولیه از رابطه و تاثیر و تاثر آن با الاهیات‌پاره ای شبهات کلامی را تولید می‌کند. در بادی امر، افرادی با نگاههای سطحی، بعضی شبهات عقیدتی را مبتنی بر داده‌های آن دانش جدید مطرح می‌کنند؛ در اینجا هم همین اتفاق افتاده است.

آیا مهندسی ژنتیک دخالت در خلقت است؟

گفته می‌شود: زیست‌فناوری در بعضی از موارد مانند، استنساخ، باصطلاح مشابه‌سازی که با مهندسی روی سلول‌های بنیادی یک موجود زنده موجود زنده دیگر به وجود می‌آید، این خلق موجود دوم است، پس دانشمند بیولوژیست و زیست‌فناور خالق آن بشمار می‌آید یا دست کم به نحوی شرکت یک انسان در امر خلقت یا دخالت او در افعال الهی و تدابیر الهی در قلمرو حیات و هستی است. این با توحید مثلاً افعالی - خصوصاً توحید در خالقیت - سازگار نیست! مگر بنا نیست که فقط خداوند متعال خالق باشد. انسان را، حیوان را، نبات را بیافریند؟ اکنون که دانشمند انسان را استنساخ و مشابه‌سازی کرده، - العیاذ بالله - کار خدا را انجام می‌دهد.

آیا خلقت الاهی ناقص است؟

آیا با مهندسی ژنتیک و از رهگذر با جابه‌جایی و انتقال سلولها از یک انسان، حیوان، یا نبات، به انسان، حیوان، یا نبات دیگر اوصاف انسان، حیوان، یا نبات دوم را تغییر می‌دهیم، مثلاً ژن مربوط به اوصاف خوبی که در این موجود هست را پیدا می‌کنیم و آن را به موجود دیگر منتقل می‌کنیم. در نتیجه، آن صفت را در موجود دوم به وجود می‌آوریم. این آیا به این معنا نیست که درختان، گیاهان یا حیواناتی که خدای متعال آفریده بوده ناقص یا ضعیف بوده‌اند؟ بشر دارد با زیست‌فناوری خلقت این‌ها را تکمیل می‌کند. خدای متعال فلان میوه - مثلاً موز - را که خلق کرده، صورت ارگانیک و طبیعی آن خیلی کوچک، نازیب، بد مزه و احیاناً ناگوار است، اما ما با مهندسی ژنتیک این موز را هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی، تغییر می‌دهیم. اندازه، شکل، رنگ، طعم و خواصش را تغییر می‌دهیم. و جهات مثبت و صفات مثبت آن را افزایش می‌دهیم و جهات و صفات منفیش را از میان می‌بریم؛ شما یک موز به اصطلاح "تراریخته" را در کنار یک موز طبیعی و ارگانیک بگذارید، می‌بینید که از جهات کمی و کیفی، محصول تراریخته بسا کامل‌تر است. آیا این به این معنا نیست که خلقت الهی ناقص، ضعیف و پست بوده و با دستکاری و تصرف بشر کامل‌تر شد؟ بشر نمونه برتر از آنچه حضرت باری آفریده بوده پدید آورد؟ (العیاذ بالله)، این به معنای نقص خلقت نیست؟ به این معنا نیست که انسان به جای خدای باری تعالی آمد و خلقت را تکمیل کرد؟ اگر خالق متعال «قادر»، «حکیم»، «عادل»، «ذوالفضل» و «فیاض» است، چرا از همان اول موجودات، اعم از انسان، حیوان، درخت و گیاه را کامل و با اوصاف برتر خلق نفرمود؟ پس بنابراین مهندسی ژنتیک در واقع نشان می‌دهد که خلق ناقص است و با ورود بشر به عرصه خلقت، موجب کمال آفرینش و اکمال خلائق می‌شود «سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَىٰ ۙ عَمَّا يَقُولُونَ عَلَٰوًا کَبِیْرًا» (الإِسْرَاءُ: ۴۳).

پاسخ به اشکالات کلامی ناشی از پیشرفت مهندسی ژنتیک

این دو نمونه از اشکال کلامی ناشی از اعمال فرایند زیست‌فناوری است که مطرح می‌شود، و برخی اصحاب ادیان بر اساس همین توهّمات و تفهّمات سطحی و عامیانه گفته‌اند: مهندسی ژنتیک شرعاً ممنوع است! ولی با اندکی تأمل درمی‌یابیم که این سخنان سخت و سست و سخیف است، این توهّمات ناشی از آن است که مطرح‌کنندگان چنین شبهه‌اتی، ۱. «حقیقت خلقت» (ابداع و ایجاد) را درک نکرده‌اند، میان «ایجاد» و «اعداد» تفاوت نمی‌نهند، ۲. فهم درستی از نقش خالق و باری، مقدّر و مدبّر عالم ندارند، ۳. «نظام علیّ معلولی» و «سنت‌های حاکم بر حیات و هستی» را نمی‌شناسند، ۴. بین «علت» و «معدّ» خلط می‌کنند، ۵. به ضرورت دوام فیض آگاه نیستند، ۶. از «خصائص نشئه مادی» بی‌اطلاعند، ۷. «خصائل موجودات مادی» اطلاع ندارند، ۸. به «تداوم تکاملی» (صیورت) خلقت عنایت ندارند، ۹. از «فرایند لایقی خلقت» (حرکت جوهری موجودات) آگاهی ندارند، و ۱۰. به «نقش اسباب» در این فرایند تفتن ندارند

هرچند این مطالب مباحث کلامی است، اما بناچار مختصراً به آنها می‌پردازیم، زیرا همین شبهات و توهّمات گاه پیش‌فرضهای نظرات و فتاوای ناصواب در زمینه زیست‌فناوری قرار می‌گیرند.

مهندسی ژنتیک با توحید در خالقیّت منافات ندارد .

اولاً: خلق به معنی «ایجاد از عدم» است، و خداوند «فاطر» است، یعنی آفرینش او بی‌پیشنه است، خلقت را از کسی اخذ و اقتباس نکرده است: به تعبیر قرآن «فاطر السموات و الأرض» است (فاطر: ۱)؛ پس غیر از «تصرف و تغییر در اشیاء موجود» است. آنچه در فرایند زیست‌فناوری در خصوص تکثیر موجودات زنده (که بالاترین حد زیست‌فناوری است) رخ می‌دهد «استنساخ» و نسخه‌برداری یا مشابه‌سازی است و تصرف و تغییر در موجودات خلق شده است.

و ثانیاً: «اعداد» یعنی فراهم کردن اسباب و زمینه‌سازی برای خلقت، و این غیر از ایفای «نقش علی» است. بر فرض آنکه فعل و انفعالات واقع شده در فرایند زیست‌فناوری را خلقت بیان‌گاریم، دانشمند زیست‌شناس با آگاهی از قوانین حیات که خداوند منا جعل فرموده است، تنها نقش‌اعدادی و تمهیدی ایفا می‌کند و نه بیش‌تر. زیست‌شناس زمینه تحقق را بر اساس قوانین حاکم فراهم می‌آورد.

و ثالثاً: بر هستی و حیات «نظام علی - معلولی» حاکم است که خداوند این نظام را پدیدآورده، علیت را او وضع فرموده، و خاصیت علیت را حق تعالی به آنچه علت می‌نامیمش بخشیده، و خصوصیت معلولی را او به آنچه معلول می‌نامیمش اعطا فرموده است. این که هرچیزی از هرچیزی پدید نمی‌آید، و اینکه مثلاً گندم از گندم و جو از جو پدید می‌آید اثر مشیّت تکوینیّه اوست.

و رابعاً: خداوند منان پیوسته در حال افاضه هستی و حیات است: «کلّ یوم هو فی شأن» (الرحمن: ۲۹). و حق تعالی [چنان که در برخی متکلمین مسیحی پنداشته‌اند] ساعت‌ساز بازنشسته نیست. او علی‌الدوام بر اساس سنت‌هایی که جعل کرده و بر جهان جاری ساخته است با اسباب (که انسان نیز در زمره آن است) در کار تدبیر حیات و هستی است. دانشمند زیست‌شناس ابزار خدا در اعمال قوانین حاکم بر هستی و حیات است، نه خالق هستی و حیات.

به گمان این افراد سطحی‌نگر: گویی خدای متعال همه عالم را، ساخته و پرداخته و به فعلیت نهایی رسانده و اسباب خلق و امر را نیز به کناره هستی آویخته، و خودش هم گوشه‌ای نشسته است. در حالی که چنین نیست.

و خامساً: اینان می‌پندارند عالم ماده و نشئه مادی به فعلیت تامه رسیده است، در حالی که نشئه مادی پیوسته در کار فرگشتن است، عالم هماره در حال تکامل است؛ موجود ممکن و مادی همواره در حال شدن است، هرگز به کمال نهایی نمی‌رسد؛ کمال موجود ممکن و مادی نسبی است، و الا ممکن و مادی نخواهد بود (واجب و مجرد خواهد شد) دلالت عمده نظریه «حرکت جوهری ملاصدرا» همین است.

انسان در حقیقت ابزار و اسباب خدای متعال است برای ایجاد زمینه و اعداد تحقق خلقت و تکامل خلاقدر آیات مختلفی از کتاب الهی پاسخ این شبهات داده شده است.

فعل زیست‌شناس، طفیلی فعل الهی است

قرآن می‌فرماید: هم خودتان، آفریده ما هستید؛ هم فعلتان آفریده ما است. در سوره صافات می‌فرماید: "وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ" خود شما را ما آفریدیم، عمل شما را هم ما آفریدیم. یعنی کاری که شما می‌کنید ما می‌کنیم. در نتیجه بشر خالق نیست و اگر فرایند تکاملی حیات و فرگشتی زیست، با نقش آفرینی بشر طی می‌شود این به معنای این نیست که بشر خلقت و خلاق را تکامل می‌بخشد. بلکه او ابزاری در اختیار خدای متعال برای تحقق خلقت و تداوم خلقت است؛ خداوند سبحان خطاب به پیامبر اعظم (ص) و مؤمنین فرموده است: «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَ لِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (سوره انفال آیه ۱۷) این شما نبودید که آنها را کشتید بلکه خداوند آنان را کشت! و [ای پیامبر] این تو نبودی که [خاک و سنگ به صورت آنها] انداختی بلکه خدا انداخت! و خدا می‌خواست به این وسیله امتحان خوبی از مؤمنان بگیرد. خداوند شنوا و دانا است.

پاسخ شبهات زیست‌فناورانه در احادیث

این شبهات در روایات ما نیز مورد توجه بوده و پاسخ آنها در احادیث اهل بیت (سلام الله علیهم اجمعین) مطرح شده و اشکالات پاسخ یافته است. در کلمات حضرات معصومین علیهم السلام، قطعات و فقرات بسیار دقیق و ارزشمندی داریم که در مقام پاسخگویی به چنین شبهاتی می‌توانیم به آنها تمسک کنیم. مثلاً حدیثی که -البته متعدد است- از حضرت صادق سلام الله علیه نقل شده است «أَيُّ اللَّهِ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ» خدای متعال اباء دارد، (بنا ندارد چنین عمل کند) از اینکه اشیا و امور را جز با اسباب انجام دهد. بنا ندارد، نه اینکه نمی‌تواند. بنا ندارد. سنت باری تعالی این است که اشیا و امور را به وسیله اسباب مربوط به خود آنها جریان بدهد و تدبیر کند. «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ، فَجَعَلَ لِكُلِّ سَبَبٍ شَرَحًا، وَ لِكُلِّ شَرَحٍ عِلْمًا، وَ جَعَلَ لِكُلِّ عِلْمٍ بَابًا نَاطِقًا، عَرَفَهُ مَنْ عَرَفَهُ وَ جَهَلَهُ مَنْ جَهَلَهُ، وَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ نَحْنُ» (بصائر الدرجات للصفار: ج ۱، ص ۶) «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ. البته «يُجْرِي» بفتح یاء (لازم) هم تلفظ کنیم اشکال ندارد. یعنی خدا نمی‌خواهد اشیا جز به اسباب

جریان پیدا کند. معمولاً در السنه "یجری" خوانده می شود. ولی یجری أدق است. " اجمال توضیح این روایت — که نمی خواهیم توقف کنیم — این است که خدای متعال سنت، دأب و رویه اش این است که همه امور را با اسباب آن انجام دهد. در حقیقت خدای تبارک و تعالی نظام علیّ و معلولی را در عالم جعل و جریان داده است. این دأب الهی است. سنت الهی است و ابا دارد از اینکه خود او از این روند و داب خارج شود. خداوند تبارک و تعالی همواره بر اساس همین سنن که مهمترین آن ها، نظام علیّ و معلولی حاکم بر هستی است عمل می کند. البته هر سببی توضیح دارد و هر توضیحی دانشی دارد و هر دانشی باب ناطق هم دارد. که اگر شناختیم، شناختیم. اگر نشناختیم، نشناختیم و گمراه شدیم. باب ناطق علوم می که شرح این اسباب می کند کیست؟ فرموده اند رسول خدا و ما. یعنی ائمه طاهرین سلام الله علیهم هستیم.

خداوند همه شئون عالم را با اسباب آن تمشیت می کند

کما اینکه در روایت مشابه دیگری قریب به همین مضمون آمده است: « و ایضاً فی حدیث آخر: «أَبَىٰ ٱللهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ، ... وَ جَعَلَ لِكُلِّ عِلْمٍ بَاباً نَاطِقاً، مَنْ عَرَفَهُ عَرَفَ اللهَ وَ مَنْ انكَرَهُ انْكَرَ اللهَ، ذَلِكَ رَسُولُ اللهِ (ص) وَ نَحْنُ» (همان: ص ۵۰۵) ». در روایت دوم نکته خاصی وجود دارد. آن این که، هر علمی باب ناطقی دارد که هر که این باب ناطق را بشناسد خدا را شناخته است. و هر آن که آن باب ناطق را انکار کند خدا را انکار کرده است. آن ابواب ناطق چه کسانی هستند؟ مثل روایت قبلی فرمودند: پیامبر و ما ائمه اهل بیت (سلام الله علیهم اجمعین) هستیم. یعنی ما را که مظاهر اسماء الاهی هستیم شناسد حق متعال را شناخته و نخواهد توانست شناخت، چرا که ما مظهریم و نمادیم و او بود است، حتی رسول خدا و ائمه طفیلی و وسیله و واسطه اند.

به هر حال این روایت می گوید همه امور و شئون عالم در چارچوب شناختی ای به نام نظام علیّ حاکم بر حیات هستی اداره می شود و خدای متعال، داب او بر این مستقر است که براساس نظام علیّ و معلولی و اسباب و مسببات حتی در هستی تصرف می فرماید. در واقع مشیت تکوینیّه الهیه، در چارچوب نظام علیّ و معلولی که خود او جعل فرموده و جریان داده جریان پیدا می کند. در نتیجه هر فعل و انفعالی که در این عالم انجام می گیرد در چارچوب این نظام صورت می پذیرد. هر کس دیگری جز حق تعالی در این فعل و انفعال ها دخالت می کند نقش ابزاری و اعدادی دارد. نقش علیّ ندارد و علت فقط خود حق تعالی است.

مهندسی ژنتیک و کشف اعجاز علمی قرآن

نکته دیگری را عرض می کنم. اصولاً به عکس آنچه تصور می شود مهندسی ژنتیک احياناً ممکن است به عقاید آسیب بزند و گویی با فهم مهندسی ژنتیک، قواعد آن و اعمال این قواعد، دایره دین محدود می شود و در حوزه معرفت و عقاید جا برای دین تنگ می شود. چنین نیست. بلکه به عکس، با اکتشافاتی که در علوم مختلف از جمله در حوزه زیست فناوری و مهندسی وراثی صورت می پذیرد، پرده های بسیاری از اسرار خلقت و عظمت خلایق کنار می رود. عظمت نظام خلقتی و عظمت خالق آن و قدرت، حکمت، عدل و فضل او آشکارتر می شود. ما با دستیابی به قضای او قوانین علمی به اسرار خلقت و عظمت خالق آن پی می بریم. عظمت خالق آن را بیشتر درک

می کنیم. به قدرت، حکمت، عدل، فضل و مقام فیاضیت او بیشتر پی می بریم مثلاً فرض کنید در همین موضوع دی ان ای (DNA) به اصطلاح عربی "التَّقْنِیَّاتُ الشَّیْفَرَةُ الْوَرَاثِیَّةُ"،

ریست فناوری؛ تحول علمی و انقلاب معرفتی به نفع دین

کشف رمز زیستی و حیاتی اختصاصیهر موجود زنده، ضمن اینکه بستر ساز یک انقلاب علمی بزرگ در قلمرو علم و دانش است، بستر ساز یک انقلاب معرفتی در حوزه دین نیز هست. یعنی مبانی عقیدتی دین را تحکیم می بخشد. چرا که با فهم این واقعیت به عظمت و قدرت و حکمت الهی پی می بریم. چرا که می بینیم خدای متعال آفرینش را چنان بنا کرده که هر موجودی، بلکه هر فردی از افراد، خصوصیتی دارد که در دیگری نیست. در گذشته مسئله به اصطلاح اثر انگشت کشف شد. که اثر انگشت هرفردی مختص او است. در تاریخ و در جهان هرگز اثر انگشتی قابل تکرار شدن نیست. قرآن کریم هم این را بیان فرموده بود که ما قادریم انگشت فرد را بعد خلقت بازسازی کنیم. شما می گوئید اگر مردیم جسم ما متلاشی شد تبدیل به خاک شد چگونه زنده می شویم؟ خدای متعال فرمود که: «بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ» (قیامت: ۴) بلکه ما قادریم جزئیات بنان و انگشتان هر انسانی را (که اختصاصی اوست و میان انسانها مشابه ندارد) مثل سابق بازسازی کنیم. همان خصوصیتی که در انگشت آن فرد بود باز دوباره به وجود بیاید خب این را از معجزات قرآن تلقی می کردیم و چنین هم هست، که تقریباً یک مورد بود که کشف شده بود. امروز مشخص شده است اصولاً اختصاصات هر فرد از هر نوع از حیوانات یا احیاناً گیاهان و نیز انسان، بسیار بسیار زیاد است. یکی از آنها همین جهتی است که در موضوع آزمایش هایی که به صورت دی ان ای انجام می شود. اگر در این حوزه مطالعه بیشتر، عمیق تر و ژرف تری انجام دهیم، پی به عظمت خالق می بریم. پی به عظمت خلقت می بریم. ایمان به حکمت و قدرت و عدل و فضل و فیض او پیدا می کنیم. ایمان ما تقویت می شود. بنابر این، این جور نیست که با مهندسی ژنتیک بگوئیم احیاناً دین به مخاطره می افتد یا تضعیف می شود. این شبهات پاسخ دارد. قرآن کریم وقتی از عظمت و دقت و حکمتی که در آفرینش بشر حاکم است سخن گفته می فرماید: "فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ" خدای متعال برترین خالقها است. به این معنی که خلق او برترین خلقها است. اگر او برترین خالق است، پس مخلوق او برترین مخلوقات است. البته اینجا "ان" افعَل التفضیل نیست. به معنای مبالغه است.

معنی حقیقی خلقت و خالق حقیقی عالم از زبان قرآن

در هر حال در سوره واقعه از آیه ۵۷ تا ۷۳. در مجموع در این ده -پانزده آیه قرآن خلقت را معنی کرده و تصرفات انسانی و نقش و سهم او را در فرایند خلقت توضیح داده است. که دقیقاً و به طور کامل شبهه خالقیت غیر خدا و نقص خلقت و نقش آفرینی جز خدا در این فرایند آفرینش که امروزه مطرح می شود رابه خوبی توضیح داده است. می فرماید: «... نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ (۵۷) أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ (۵۸) أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ (۵۹) نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۶۰) عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ (۶۱) وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ (۶۲) أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ (۶۳) أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ (۶۴) نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ

تَفَكَّهُونَ (۶۵) إِنَّا لَمُعْرَمُونَ؟ (۶۶) بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ؟ (۶۷) أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ (۶۸) أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ (۶۹) لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا [تلخ/ناگوارا] فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ (۷۰) أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ (۷۱) أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ (۷۲) نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً وَنَمَاطًا لِلْمُقْوِينَ [بیابانگردان] (۷۳)»

"نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ" یعنی ما شما را آفریدیم. پس چرا این را تصدیق نمی کنید؟ بعد می فرماید: چگونه ما آفرینده ایم، خلقت چرا از آن ماست. آن زمانی که این آیات نازل شده بحث از مهندسی ژنتیک که در میان نبوده "أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ" آیا نطفه ای که از شما خارج می شود را دیده اید؟ آیا شما دارید این نطفه را خلق می کنید؟ هرگز، شما فقط اسباب هستید، ابزار هستید مجرا هستید: "أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ" ما آفریده ایم یا شما خلق کردید؟ شما تنها ابزار، وسیله و مجرای فعل و انفعالاتی هستید که اتفاق می افتد تا انسان جدیدی خلق می شود. "نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ" مرگ را ما خلق کردیم و این یک امر بی سابقه است. بی پیشینه است. ما از کسی اقتباس نکرده ایم. شما انسان ها باید از ما اقتباس کنید "عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ" ما می توانیم کسانی را از میان ببریم با مرگ منتقل کنیم به عالم دیگر به جای این ها انسان های دیگر و احیاناً موجودات دیگری را به وجود بیاوریم. "وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ" وقتی این آفرینش ابتدایی، آفرینش به اصطلاح اول که آفرینش در این عالم است را ملاحظه می کنید، چرا متذکر و متنبه نمی شوید که همین آفرینش را می توانیم در این عالم تکرار کنیم.

زراعت در حقیقت فعل خداوند و زارع حقیقی اوست

باز در ادامه مثال دوم: "أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ" آنچه شما کشت می کنید را دقت کرده اید؟ آیا شما زراعت می کنید یا ما زارع هستیم؟ شما ابزار هستید شما در واقع نقش خویش و بیل را ایفا می کنید. "أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ" این ما هستیم که زارع هستیم. زراعت را ما انجام می دهیم. زارع حقیقی خدای متعال است. خدای متعال قوانینی را جعل فرموده، خواصی در مواد و فرایندها قرار داده، این را خدای متعال انجام داده است. نظام علیّ و معلولی که در عالم حاکم فرموده است، خدای متعال کرده است. شما در بستر این نظام و در چارچوب این قواعد و با بهره برداری از این مواد دارید به مثابه ابزار عمل می کنید تا این قواعد الهی محقق شده، مشیت تکوینیه الهیه در خارج تحقق پیدا کند. نه اینکه تصور کنید شما زراعت می کنید. شما گیاه می روئانید. خیر! ما می روئانیم. اما شما متوجه شدید که می شود در یک فرایندی فعل و انفعالاتی انجام داد که گیاه روئیده شود.

زیست فناوری؛ کشف و کاربرد فرایندهای حیات

این مساله به اصطلاح آن است که بگوییم مثلاً زمانی بشر نمی دانسته هر گیاهی از حبه و هسته و دانه گیاه قبلی به وجود بیاید. فقط می دید در این دشت یک گیاه خشک می شود. همانجا یا در یک نقطه دیگری شبیه، آن گیاه می روید. بعد آرام آرام متوجه شد که این بر اثر این است که این هسته و دانه زیر خاک قرار می گیرد و در یک شرایطی واقع می شود که تحولاتی در او به وجود می آید که سبز می شود. بعد متوجه این شد که من می توانم این دانه و این هسته را از اینجا مثلاً برداشت کنم ببرم جای دیگری قرار بدهم و همین اتفاق آنجا بیفتد. مثلاً دانه را

جا به جا کرد. حبه را جابه جا کرد. هسته درخت را جابه جا کرد. بُرد یک جای دیگری آن را کاشت و درخت دیگری به وجود آمد. او درخت را خلق کرد یا اینکه، او به مثابه ابزار و اسباب عمل کرد تا اراده تکوینیه و مشیت تکوینیه الهی تحقق پیدا کند؟ در خلق درخت، این، کاره ای نبود جز اینکه نقش اعدادی داشت. نقش اسبابی داشت. احیاناً اگر مثلاً متوجه شد که درست است که یکی از راه‌های مثلاً رویش درخت آن است که هسته‌ای را در یک شرایط خاصی زیر خاک قرار دهیم و فعل و انفعالاتی اتفاق بیفتد که درخت جدیدی به وجود بیاید. حالا اگر متوجه شد که به اضافه این روش، روش دیگری هم در عالم وجود دارد. کشف کرد به روش دیگری هم درخت را تکثیر کرد. به جای اینکه مثلاً هسته آن را ببریم در یک جایی قرار دهیم و بعد قوانین را فهمیدیم که حرارت، نور و سایر شرایط لازم را باید فراهم کنیم تا این درخت سبز شود، رشد کند، تنومند شود و بار دهد، متوجه شدیم یک فرآیند دیگری در این خلقت وجود دارد و آن این است که می‌توانیم قلمه آن را بزنیم و رفت این کار را کرد و از این روش و از این فرآیند استفاده کرد و دوباره درخت به وجود آمد، سبز شد و بار داد. آیا می‌شود گفت این خلق کرده است؟ کدام یک از این قوانین دست بشر است همه این قوانین، قوانین الهی است. "أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ" شما دارید کشت می‌کنید یا ما داریم کشت می‌کنیم؟ در حقیقت شما اسباب ما و ابزار ما هستید، زرع حقیقتاً کار ماست و در حقیقت زارع ماییم. کار شما و اراده شما منشأ خلقت نیست. اراده ما منشأ خلقت است. و شما مطابق اراده ما و طبق قوانین ما عمل می‌کنید و زراعت صورت می‌بندد.

چرخه بارش تابع مشیت الهی است

در آیه بعد آمده است: "فَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ" آبی را که می‌نوشید روی آن تأمل کرده اید؟ رأی و دری و درایت کرده اید؟ آیا "أَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ" شما از ابرها آن را فرو می‌آورید؟ شما احیاناً پیش از آنکه آب از ابر فرو بچکد آن را جابه‌جا می‌کنید؟ از دریاها تبخیر می‌کنید؟ این فعال و انفعالات را انجام می‌دهید؟ این قانون را شما جعل کرده‌اید و شما جریان می‌دهید؟ چنین نیست. شما آب را شیرین کرده اید؟ "لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا" ما اگر اراده می‌کردیم، اگر مشیت تکوینی ما تعلق می‌گرفت، به جای اینکه آب شیرین و گوارا باشد تلخ و ناگوارا می‌توانست باشد. "فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ" پس چرا سپاسگزار نیستید؟ یا شاهد دیگری را ذکر می‌کند. "أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ" آیا به آتشی را که بر می‌افروزید دقت کرده اید؟ "أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ" شما موادی که با آن آتش بر می‌افروزید را پدید می‌آورید یا ما پدید آورنده‌ایم؟ درخت و کنده و هیزم را شما ایجاد کرده‌اید یا ما به وجود آورده‌ایم؟ شما کجا بودید؟ "نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِّلْمُقِيمِينَ" این ما هستیم که این فرآیند ها را مایه تذکر و تنبه و توجه و تفتن انسان قرار دادیم تا بشر به این‌ها فکر کند و به خالقیت الهی و عظمت خلقت پی ببرد. این مایه تنبه شود.

فعلاً ما تا اینجا سه عرصه و حوزه مهندسی ژنتیک را توضیح دادیم. مایل نیستیم این قسمت‌ها را طولانی بشود، اما از آنجا که این‌ها همه زمینه‌ها و ابعاد موضوعی فقه مهندسی ژنتیک هم به حساب می‌آید. ما باید این بحث‌ها

را اجمالاً طرح کنیم. در این بخش اخیر که مربوط به مباحث مهندسی ژنتیک و الهیات و شبهات کلامی بود لازم دیدیم مقداری طولانی بحث کنیم

بقیه عرصه‌ها را هم در جلسه آینده توضیح خواهیم داد؛ ان شاء الله. و الحمد لله و صل الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین.